

نگاهی به آثار گرهارد ریشر؛

هنرمندی که نقاشی را حماقت می داند!

گرهارد ریشر، هنرمند آلمانی که سبک‌های بی‌شماری را در آفرینش آثار هنری تجربه کرده است، نگاه متفاوتی به هنر دارد و می‌گوید: «برای نقاشی کردن باید به آن عمیقاً اعتقاد داشت. دغدغه و شور نقاشی، ما را به این باور سوق می‌دهد که جهان را می‌توان با آن متحول ساخت. اگر چنین نباشد هیچ انگیزه‌ای برای کار باقی نخواهد ماند و بهتر است آن را رها کنیم. چون نقاشی اساساً حماقت است.»

به گزارش سایت خبری پرسون، گرهارد ریشر (Gerhard Richter) متولد سال ۱۹۳۲ در درسدن و از شناخته‌شده‌ترین هنرمندان معاصر دنیا است. هنرمندی که بیش از نیم قرن تجربه خلق اثر هنری در انواع و اقسام سبک‌های هنری را دارد، اما بیش از همه در نقاشی آبستره و انتزاعی شناخته شده است. به باور بسیاری از کارشناسان هنری این تنوع در سبک‌های هنری در کمتر هنرمندی دیده می‌شود.

اما آنچه بیش از همه در آثار این هنرمند به چشم می‌آید، نگاه و تفکر اوست که به واسطه هنرش به نمایش گذاشته می‌شود. درست است که آثار نقاشی انتزاعی این هنرمند بسیار مشهور است، اما از مجموعه‌های قابل تامل او می‌توان به نقاشی‌های این هنرمند از روی عکس‌ها اشاره کرد. در واقع به همان نسبت که ریشر شیفته نقاشی است، به کارایی عکاسی و نیروی عکس در واقع‌نمایی نیز باور دارد. او این رویکرد را داشت که نقاشی برای به تصویر درآوردن جهان، هرگز همچون آیینی در برابر واقعیت نخواهد بود و به همین سبب هم بود که تصمیم گرفت عکس را به عنوان واقعیت با نقاشی به عنوان تخیل ترکیب کند.

ریشر در دوران جوانی به نقاشی بیلبردهای سیاسی و تابلوهای تبلیغاتی برای جمهوری دموکراتیک آلمان مشغول بود و در عین حال منظره هم نقاشی می‌کرد. بعد از مدتی تحت تاثیر هنر آوانگارد بعد از جنگ قرار گرفت و آثار هنرمندانی همچون جکسون پولاک تاثیرات عمیقی بر او و خطمشی هنری‌اش به جا گذاشت.

از ابتدای دهه شصت، عکس‌های پراکنده از منابع مختلف همانند روزنامه‌ها، تبلیغات و آلبوم‌های خانوادگی خود را در ابعاد کوچک و بزرگ نقاشی کرد. گفته می‌شود که روش انتقال تصاویر به روی بوم کاملاً مکانیکی و اغلب با استفاده از پروژکتور بود، اما از آنجا که عکس‌ها عموماً کوچک و سیاه و سفید بودند، وقتی در اندازه بزرگ نقاشی می‌شدند، به نظر مرموز و عجیب می‌رسیدند. در واقع او عکسی واقعی را به تصویر خیال‌انگیز و عکس‌های بدون مفهوم را به نقاشی‌های مفهومی تبدیل کرد.

ریشر در توضیح این آثار خود گفته بود که «من از عکاس‌هایی که همه به طور روزمره با آن روبرو هستیم شگفت‌زده شدم، چون حالا دیگر آنها را به عنوان تابلوی نقاشی می‌نگریستم؛ فارغ از هر معیاری که پیش از این با اثر هنری مرتبط می‌دانستم، این عکس‌ها نسبت داشتند و نه ترکیب ولی من را از چارچوب‌های رایج رها کردند. برای همین هم می‌خواستم آنها را نقاشی کنم.»

بعد از گذشت یک دهه از آن دوران، ریشر بار دیگر بر روی نقاشی از روی عکس‌ها تمرکز کرد، ولی با این تفاوت که این بار به جای عکس‌های معمولی، به نقاشی از تصاویر خبری با موضوعات سیاسی جنجال‌برانگیز پرداخت. این مجموعه شامل ۱۵ نقاشی با عنوان ۱۸ اکتبر ۱۹۷۷ بود که به وقایع نگاری روزی سیاه در تاریخ آلمان اشاره داشت. داستان این بود که در این روز جسد سه تن از اعضای گروه چپ فراکسیون ارتش سرخ در سلول زندان یافت شد و به گفته پلیس دو تن از آنها توسط شلیک گلوله و یک نفر با حلق آویز، خودکشی کرده بودند. این خودکشی‌ها از دید هواداران این گروه مشکوک به نظر می‌رسید.

ریشر نیز تصمیم گرفت که از تصاویر خبری این رویداد، نقاشی بکشد تا فرصتی برای بازنگری یکی از برگ‌های تاریخ کشور آلمان را فراهم کرده باشد.